

متن پرسش

سلام استادیجان، طاعات و عبادات قبول، این شاء الله خوش مهمانی برای خداوند متعال باشید. مدتی است چندتا موضوع را کنار هم می‌گذارم و هر بار درکی خاص پیدا می‌کنم، بحث حضور نرم زنان را در تمدن مطرح فرمودید، از طرفی بحث شهادت و جایگاه شهید را و همچنین جایگاه ایشان در تمدن سازی با توجه با آیات قابل تأمل است، و هر بار می‌رسم به جایگاه شهادت برای زنان طبق درک حقیر ارتحال و پرکشیدن عقيله بنی هاشم حضرت زینب کبری سلام الله علیها یک شهادت زن گونه است. آخر چندین دهه است دفاع از حرم بانو سکان دار مسیر اسلام ناب است و راه حفظ و تعالی انقلاب اسلامی را خدا در دفاع از حرم بانو گذاشت، و این همه اثرگذاری جز در ائمه معصومین علیهم‌السلام نبوده است و این باعث شد به یاد آیات سوره محمد (ص) در مورد هدایت گری شهید بعد از شهادتشان بیفتم، از طرفی طبق روایت «من عشقنی... قتلنی...» آیا این همه عشق ورزی بانویی چون حضرت زینب کبری سلام الله علیها به شهادت و کشته شدن در راه خدا ختم نمی‌شود؟ مگر نه اینکه دم به دم حیات بانوی صبور، عشق سوزان امام زمان (عج) (در تمام برهه های زندگی شان) و غم امت جدشان نیست؟ درکم این است رحلت بانو هم شهادتی زن گونه است از جنسی نرم نه سخت و حال آیا جنس شهادت زنان را چگونه باید یافت؟ شهادت زن انقلابی و دختر انقلابی و رسیدن به روحیه ایثار و تواضع و خدمت تا پای جان است؟ چه کنیم که از بیگانگی با این حقایق دراییم و به اتحاد با آنها برسیم؟ گاه به فعالیت و کار کردن تا پای جان می‌اندیشم که گاه تجربه اش کرده ام ولی هم می‌شود هم نمی‌شود. تا ظرف زمان و مکان نباشد هیچ می‌شود همه چیز. لطفا نظرتان را بگویید استاد، شاید نیاز به تأمل بیشتری است، تشنه خواندن نگاه تان هستم. حلال کنید باز طولانی شد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نکات دقیقی را مطرح فرموده‌اید. آری! تا ظرف زمان و مکان کاری در میان نباشد آن کار محقق نمی‌شود، ولی خود را باید در بستری از وظیفه قرار داد تا اگر شرایط تحقق هدف متعالی‌مان پیش آمد، امکان ورود برایمان باشد به همان معنایی که به ما فرموده‌اند: «انتظار الفرج من الفرج». موفق باشید